

تدوین چهارچوب طراحی ساختارهای جدید در عرصه بافت های تاریخی

علی حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی عمران، گرایش راه و ترابری، موسسه آموزش عالی صائب، ابهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی حیدری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۷

چکیده

درده های اخیر بافت های تاریخی و قدیمی شهرها و ارزش های نهفته در آنها شامل بنا ها، گذرهای تاریخی و سازمان فضایی-کالبدی آنها که یادگاری از گذشتگان و خاطرات جمعی مردم شهر هستند، تحت تأثیر مشکلات مختلف فرسوده شده و با ازبین رفته اند بنابراین توجه به بافت های تاریخی و پدیده ساختارهای جدید در آن یکی از مسائل مهمی است که طی دهه های اخیر توجه کارشناسان معماری و شهرسازی را به خود معطوف کرده است. یکی از راه های باز زنده سازی بافت های تاریخی طراحی بناهای جدید در این بافت ها می باشد که باعث ایجاد ارتباط بین خاطرات مردم و بافت تاریخی می شود. حضور ساختارهای جدید در زمینه های تاریخی می تواند سبب تداوم تاریخ و غناء یافتن بافت های تاریخی گردد. اما آنچه که در این میان مهم است توجه به زمینه، برای خلق معماری جدید است؛ تا ساختار جدید ضمن حفظ ارزش ها، سبب ارتقاء وضع موجود گردد عدم شناخت ارزش این بافت ها و عدم وجود سیاست های مشخص، باعث بروز همنشینی های نامتناس و غیراصولی با بناهای جدید شده است. تجربه نیم قرن اخیر در کشور می نمایاند که ما ناگزیر از مداخله و طراحی فضاهای معماری شهری معاصر هستیم. مداخله و طراحی ای، که با هدف فراهم کردن امکانات زندگی معاصر با تکیه و احترام بر بافت تاریخی باشد. این مداخله و همنشینی نه تنها خدشه ای به روح تاریخی بافت و بنا وارد نخواهد کرد بلکه می تواند با تکیه بر ارزش های تاریخی، به امتداد ارزش های معاصر بیانجامد. پژوهش حاضر با طرح این سوال که، اهمیت باززنده سازی و حفاظت از بافت های تاریخی در شهرهای که لزوم یادآوری میراث های معنوی را متذکر می شود، چیست و تأثیر ساختارهای جدید را در باززنده سازی بافت های تاریخی شهری مورد پرسش قرار می دهد. با توجه به رابطه تنگاتنگ فرهنگ، هویت، سنت و هنر، استفاده از زمینه تاریخی راهکاری برای طراحی ساختارهای جدید در بافت های تاریخی می باشد. که این مساله بستری لازم را برای نگارش پژوهش حاضر فراهم کرده است. پژوهش حاضر در پی دست یافتن به اصول راهنما و رهنمودهای اجرایی به منظور طراحی ساختارهای جدید در زمینه های تاریخی می باشد که به ساختارهای میان افزا معروف می باشند که در اجرای این هدف، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که یافته های پژوهش حاکی هر اندازه انتظام بین ساختار طراحی شده در بافت و زمینه ی پیرامون آن بیشتر باشد، ادراک اطلاعات محیطی برای انسان آسان تر بوده و حس تعلق به مکان افزایش می یابد و سرزندگی اجتماعی بافت حفظ می شود

واژگان کلیدی: توسعه میان افزا، تجدید حیات شهری، دستور کار طراحی، بافت تاریخی

مقدمه

شهر ایرانی از آغاز تا دوره ی ذکر شده، رشدی تدریجی و پیوسته را که نتیجه ی آن شکل گرفتن بافت شهری ارگانیک بوده، تجربه کرده بود، همچنین به لحاظ ابعاد و اندازه، غالباً درون حدود تعیین شده ای خواه طبیعی خواه مصنوع- قرار گرفته بود. از این زمان به بعد حدود و مرزها برداشته شدند، و شهر از درون و بیرون وارد مرحله توسعه های غیرتدریجی شد. این توسعه ها در دو مرحله انجام گرفته است. قسمت اول شامل اواخر دوران قاجار و اوایل دوران پهلوی تا سال ۱۳۴۰ می باشد، که توسعه در این سال ها با سرعت نسبتاً کمتر نسبت به مرحله ی بعدی اتفاق افتاده است. مرحله بعدی مرحله ی رشد سریع که شامل توسعه های سال های ۱۳۴۰ به بعد تاکنون می باشد. از این زمان به بعد در گذران دوره های مختلف تاریخ توسعه شهر بخش های مختلفی به شهر اضافه گشته اند یا درون آن نفوذ کرده اند [1]. واقعیات مربوط به این بخش ها، خصوصیات از قبیل فرم بافت، عملکرد و ساختار آنها شناسایی نشده، نحوه های همجواری و اثر بخش های مختلف بر یکدیگر مورد بی توجهی واقع شده است؛ همچنین در هنگام برنامه ریزی ها و طرح های قدیم و جدید برخوردی یکسان و غیرواقع گرایانه با آنها صورت گرفته است. معمولاً قربانی اصلی این نحوه برخورد بافت تاریخی و ارزشمند شهر می باشد که باید به عنوان هسته ی پویای شهری عمل کند و بی توجهی به آن معضلات اجتماعی فرهنگی فراوانی پدید می آورد. گسترش افقی شهر و عدم تجهیز عرصه های قدیمی به زیرساخت های مناسب زندگی مدرن موجب تخلیه بخش های قدیمی شهر از سکنه و جایگزین شدن آنها با اقشار مهاجر و با سطح اقتصادی پایین می شود. در کنار این جابجایی جمعیتی در شهرها، سازمان کالبدی- فضایی عرصه های پیرامون بافت تاریخی شهرها که درست چسبیده به آنها شکل گرفته است نیز بدون هیچ گونه برنامه ریزی مدون و مشخصی توسعه یافته اند که در اغلب موارد این موجب تهدید و بعضاً تخریب بسیاری از ارزش های موجود در بافت کهن شهرها گردیده است [2]. عدم مرزبندی روشن میان سازمان فضایی بافت جدید و قدیم، آشفتگی فضایی، نابسامانی کالبدی و درهم ریختگی روابط فضایی- کالبدی در محدوده اتصال این دو بخش، مسایل و مشکلات دیگری که همه به دلیل عدم وجود تعریفی مشخص برای محدوده اتصال دو بخش متفاوت شهری ایجاد شد. ادامه این روند تا به امروز موجب تشدید فرسودگی در این محدوده های شهری شده و عدم برنامه ریزی مناسب در جهت ایجاد محدوده ای واسطه که بتواند ضمن ارائه تعریفی روشن از دو بخش متفاوت شهری، عاملی در جهت حفاظت از ارزش های بافت تاریخی شهر باشد، خلاء بزرگی در این زمینه ایجاد نموده است. بافت تاریخی شهرها به عنوان مجموعه ای که محمل حیات اجتماعی و مدنیت اقوام و ملل مختلف بوده و انعکاسی از یک عزم جمعی در پدید آوردن آثار ارزشمند در بستر تاریخ بوده اند جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص می دهند. بافت ها و مجموعه های شهری عموماً مجموعه هایی منحصر به فرد به لحاظ مکانی و زمانی و فرهنگی و اجتماعی بوده و در نوع خود بی نظیر و تکرار نشدنی است. حال اگر این بافت ها حیات اجتماعی و اقتصادی خویش را حفظ و بستری از زندگی طبیعی و نه تصنعی مردمان عصر و زمانه کنونی باشد دارای ارزش دو چندان نیز خواهد بود. در شهرهای تاریخی کشورهای مختلف برای حفظ آثاری از این دست تلاش ها و تجربه های گوناگون صورت گرفته و اجتماع های جهانی شکل گرفته و معاهدات و منشورهای تنظیم شده که به طور ادواری نیز بازنگری هایی در مفاد آنها صورت می گیرد تا بر ضمانت و کارایی آن افزوده شود [3]. تکامل و رشد و تداوم شهرها سبب شده که در هر مقطعی از تاریخ، شهر بتواند دگرگونی های کمی خود را به تغییرات کیفی مورد نیاز عصر خویش تبدیل کند. انقطاع تاریخی در این گذار سبب شده تا فضاهای شهری کارایی خود را از دست دهد که ادامه این روند به از بین رفتن شهر خواهد انجامید. گویا اینکه کالبدی وجود داشته باشد ولی از جان و روح خبری نخواهد بود. همچنین ارتباط منطقی و منسجم بین بخش های قدیم و جدید شهرها از بین رفته و یک پارچگی و هویت شهر نتوانسته خود را حفظ و تقویت کند. برخلاف روال معمول در گذشته، امروز تغییر شیوه زندگی کاربرد مصالح و پیدایش روش های گوناگون طراحی و اجرا، این انقطاع و از هم گسیختگی در تسلسل تاریخی بافت های شهری را پدید آورده است، به طوری که آثار بی بدیل کشور ما در دوران معاصر و در اثر عوامل مختلف دچار دگردیسی و فروپاشی گردیده اند. یکی از عوامل موثر در این زمینه دخالت های کالبدی شامل تخریب ها و نوسازی های صورت گرفته در بافت ها بوده است که به صورت افسار گسیخته و بدون قاعده و ضابطه مشخصی رخ داده است و چهره ی بسیاری از شهرهای تاریخی را کاملاً دگرگون نموده است. احداث ساختارهای جدید در زمینه های تاریخی یکی از نیازهای اصلی در حوزه های مرتبط با حفاظت از میراث فرهنگی است. بسیاری از مناطق تاریخی هم زمان نیازمند توسعه و حفاظت به عنوان دو رویکرد مکمل هم

می باشند، تا ضمن حفظ ارزش ها، فضاهای جدیدی برای تأمین نیازهای معاصر ایجاد شود. ساختارهای جدید که بیانگر تاریخ هنر و معماری دوره خود می باشند، به حکم پویایی و حیات یک شهر زنده، در شهرها جلوه می کند[4]. لذا مخالفت با احداث ساختارهای جدید در واقع توقف حیات شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به شمار می رود. با خلق ساخت و سازهای جدید سیر تحول شهرها ادامه یافته و لایه ی دیگری در مجموعه ی میراثی شهر برای نسل های آتی ایجاد می شود. اما آنچه که در میان مهم است توجه به زمینه ی شکل گیری و خلق معماری جدید است؛ به طوری که طراحانی که امروزه در زمینه های تاریخی اقدام به ساخت وسازهای جدید می کنند، نمی توانند از عدم حساسیت به شرایط تاریخی برخوردار باشند. با وجود آنکه کشور ایران همواره به عنوان یکی از مهدهای تاریخ و تمدن به شمار می رود، اما در عرصه حفاظت و صیانت از آثار کهن و به ویژه شهرهای تاریخی غفلت از تحول و تکامل نگاه ها و اندیشه های بین المللی و درکنار آن فقدان مبانی نظری و عملی در مقیاس داخلی باعث گردیده تا امروز در وضعیت نامطلوبی قرار داشته باشد. انسان با نگاهی واقع بینانه به شهرهای تاریخی بیشتر از آنکه حس رضایت داشته باشد در اندیشه فرو می رود که از آن ارسن های عظیم و بافت های تاریخی چه مانده است و ما چگونه میراث دارانی هستیم. این در حالیست که امروزه اکثر شهرهای توسعه یافته در باز زنده سازی بافت تاریخی تداوم گذشته و حال را مورد توجه قرار داده و به شهر به عنوان یک مجموعه و نه عنصر تاریخی و یا شهری بلکه به عنوان بافت تاریخی و یک ارگانیکسم زنده نگاه می شود. این پژوهش به نوبه خود به دنبال پر کردن بخشی از خلاء یاد شده است تا همبستگی پدیده های معماری معاصر با ریشه های تاریخی آن در گذشته را حفظ شود[5].

اهمیت و ضرورت تحقیق

تاکنون دلایل بسیاری که موجب دخالت های ناگوار و آسیب زنده به پیکره شهرها و به ویژه بافت های تاریخی شده و آنها را به لحاظ فعالیتی و کالبدی دچار نقصان کرده و به نوعی موجب فرسودگی آنها بوده اند، برشمرده شده اند. یکی از این دلایل، سوء برداشت ها و یا غفلت هایی است که در فهم ارتباط بافت های تاریخی، حدود واقعی آنها و نحوه تعامل آنها با بافت پیرامون وجود داشته که کمتر بدان پرداخته شده است. تصمیم گیری های نادرست در برنامه ریزی و طرح های شهری به دلیل خلاء شناخت واقع گرایانه در مطالعات آنها، منجر به پایین آمدن کیفیات فضایی، از دست رفتن خوانایی بخش های گوناگون شهری و به خصوص بافت تاریخی می شود. بافت تاریخی که ضامن ارتقاء هویت شهری است و می تواند به عنوان قلب تپنده شهری، قطب گردشگری و فرهنگی شهر عمل کند، در این روند آسیب جدی دیده و تبعات آن حیات پایدار شهر را به مخاطره می اندازد. عدم تعریف مبادی ورودی مناسب به بخش تاریخی شهر، ناخوانا بودن تفاوت های مورفولوژیک در دو عرصه بافت تاریخی و میانی، عدم ساماندهی وضعیت ترافیک سواره و پیاده در محل اتصال بافت تاریخی به بافت پیرامون، کمرنگ شدن ارزش های بافت تاریخی با قرار گرفتن در کنار نابسامانی های عرصه ی جدید و ... از جمله مواردی هستند که بافت تاریخی شهرهای کشور را مورد تهدید قرار داده و در سطوح مختلف می توانند موجب آسیب رساندن به محیط تاریخی شهر شوند لذا می توان با طراحی ساختارهای جدید (میان افزا) به عنوان عرصه واسط میان این دو بخش از شهر ویژگی ها و شخصیت بافت تاریخی را در مقابل تأثیرات مخرب نابسامانی های موجود در بافت پیرامون محافظت کرد.

هدف (اهداف) پژوهش:

با توجه به مباحث پیشین در راستای ضرورت پرداختن به اراضی رها شده در بستر بافت های تاریخی، هدف از تبیین موضوع پروژه، یافتن راهکارهایی جهت رسیدن به پارامترهای ایده آل جهت طراحی ساختار جدید در بافت های تاریخی و تبدیل آن به نقاط مثبت در راستای توسعه پایدار و به دنبال آن بررسی تأثیرات مثبتی که این قطعه زمین می تواند بر بناهای مجاور داشته باشد، می باشد. به طور کلی مراحل انجام پروژه می تواند به شرح زیر باشد:

- ۱- ارائه ی راهکارهایی در طرح جهت رسیدن به مؤلفه های میان افزایی.
- ۲- انتخاب گزینه ی مناسب عملکردی برای فضای میان فضای انتخاب شده.
- ۳- ایجاد مشخصه هایی در طرح جهت ارتقا سطح ارتباط کالبد و بافت تاریخی همگام با بافت تاریخی.

به عبارت دیگر در این پروژه سعی بر این می باشد تا با اتخاذ راهکارهایی مناسب، در راستای ساماندهی بافت تاریخی شهری اقدام گردد، به گونه ای که به طور همزمان ارتباط میان کالبد و بافت نیز مد نظر قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

بنابر آنچه گذشت، نگاهی دوباره به نحوه رویارویی با بافت های تاریخی و به ویژه رویکرد کلی به چگونگی شکل گیری ساختارهای نو در زمینه های تاریخی و کهن می تواند به عنوان یک مساله مهم و حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مبانی نظری، ضوابط و معیارهای لازم در این زمینه تدوین و عملیاتی گردند. به هر حال، منابع مکتوب و مدون داخلی که مشخصا به مقوله ساخت و سازهای جدید در بافت های تاریخی پرداخته باشند چندان زیاد نیستند. در کتاب معماری زمینه گرا برولین، اشاره به مواردی دارد که در محوریت زمینه گرایی معماری بیشتر معنا پیدا می نماید و کمتر با معماری محیط های تاریخی سرزمین ایران ارتباط پیدا می نماید. از جمله مطالعات جدیدی که در مورد ساختارهای میان افزار صورت گرفته است می توان به مقالات حسام الدین ستوده و همکاران در دانشگاه UTM مالزی اشاره کرد. او در یکی از مقاله هایش به نام طراحی های موفق میان افزا در بافت های تاریخی به بررسی پارامترهای تأثیرگذار نظیر شکل، مصالح، تزیینات و غیره می پردازد. در مقاله دیگری به نام ارزیابی تناسب طراحی در بافت های تاریخی شهری از دیدگاه ساکنان، راهکارهای طراحی بناهای میان افزا را از دیدگاه ساکنان مورد ارزیابی قرار می دهد. روش تحقیق به کار برده شده در مقاله پیش رو از این مقاله الگوبرداری شده است. از جمله پژوهش های صورت گرفته در ایران می توان به کار مجتبی رفیعیان و همکاران به نام سنجش ظرفیت توسعه فضاهای بدون استفاده در مرکز شهر قزوین اشاره کرد، که یک پژوهش در حیطه شهرسازی است و به امکان سنجی توسعه میان افزا در یکی از خیابان های شهر قزوین می پردازد. در مقاله ای دیگر با عنوان تأثیرات ساختارهای میان افزا بر تحریک نوسازی در بافت های فرسوده، نویسنده ساختارهای میان افزا را عامل اصلی محرک توسعه معرفی می کند کارهایی نیز در حیطه مرمت و در رابطه با بناهای میان افزا صورت گرفته است که می توان به کتاب ساختارهای جدید در محیط های تاریخی اشاره کرد که نویسنده در آن روش هایی را که معمولا معماران برای ساخت و ساز در بافت های تاریخی برمی گزینند، معرفی و طبقه بندی می نماید. همچنین می توان به مقاله رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی و مقاله بناهای میان افزا واسطه حضور سازه های نوین در بافت های تاریخی اشاره کرد. بهرام قدیری در کتاب ساختار جدید در محیط تاریخی روند روشن تری را بر اساس نوع مداخلات در نمونه های دنیا مورد ارزیابی قرار می دهد و بررسی می نماید. سومین اثر مطرح شده که به صورت اختصاصی در این خصوص ارائه مطلب نموده است کتاب بناهای میان افزا اثر بیکزاده و مسعود می باشد که به مباحث مبانی نظری مرمت و مداخلات آن در قطعنامه ها و تجربه های جهانی پرداخت خوبی داشته است و یکی دیگر از منابع معماری در بافت موجود اثر کرامر و بریلتینگ می باشد که بیشتر جنبه عملیاتی و جرایبی دارد و بر اساس نگاه پروژه ای دستورالعمل اجرایی مناسبی را ارائه نموده است. تلاش های دیگری که در این زمینه صورت گرفته اند، غالبا در طرح های فرادست گوناگونی اعم از طرح های جامع و به ویژه طرح های تفصیلی شهرها یا بافت قدیم و نیز بافت های فرسوده شهری بازتاب یافته اند. این طرح ها در بسیاری موارد به منظور هدایت ساخت و سازها و پدید آوردن وحدت، به ارائه ضوابط و معیارهای ساخت و ساز پرداخته اند. اما تقریبا در موارد نادری می توان اشاره ای به مبانی نظری و رویکردهای اصولی طراحی بناهای میان افزا در بافت ها و زمینه های تاریخی یافت. در منابع خارجی به اقتضای توجه بیشتر آنها به شهرهای تاریخی و بافت های کهن و ارزشمند و نیز به دلیل اهتمام جدی تر آنها به مقوله شهر و کیفیات آن پرداخت ژرفتری نسبت به مقوله ساخت و سازهای جدید و کنترل معمارانه آنها به ویژه در ارتباط با «زمینه» صورت گرفته است

مروری بر ادبیات تحقیق

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی تحقیق پرداخته شود، از جمله؛

بافت تاریخی^۱

در ایران اصطلاح "بافت فرسوده" اصطلاحی رایج است که برای اشاره به بافت های درون شهری مسئله دار به کار می رود. حبیبی در کتاب "مرمت شهری" فرسودگی را این گونه تعریف می کند: «از کارافتادگی کالبد یا فعالیت یا هر دو آنها در یک محله یا ساختمان را فرسودگی می نامند. دلیل این از کارافتادگی گذر زمان و تاثیر آن بر روند رشد و تحولات آن است» از دیگر سو لغت بافت فرسوده طبق تعاریف مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی ایران به چهار دسته تقسیم می شود:

الف- بافت تاریخی (Historic Area): ابنیه و فضایی که قبل از ۱۳۰۰ ه.ش شکل گرفته است و به ثبت آثار ملی رسیده یا از قابلیت ثبت شدن برخوردار است و تماماً واجد ارزش فرهنگی- تاریخی است. در مورد این گونه بافت ها "ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی" مالک عمل خواهد بود.

ب- بافت قدیم -کهن (Old Area): بخشی از بافت های شهری را شامل می شود که قبل از ۱۳۰۰ ه.ش شکل گرفته است ولیکن به دلیل فرسودگی کالبدی و فقدان استانداردهای ایمنی، استحکام و خدمات و زیرساخت های شهری علی رغم برخورداری از ارزش های هویتی، از منزلت مکانی و سکونتی پایین برخوردار است. مداخله در این گونه بافت ها با سایر بافت های شهری متفاوت بوده و اقدامات از نوع "بهسازی، روان بخشی و نوسازی" خواهد بود.

پ- بافت آسیب پذیر: به عرصه هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات، خدمات و زیرساخت های شهری آسیب پذیر بوده است و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردار است. این بافت ها به دلیل فقر ساکنین و مالکین آنها امکان نوسازی خود به خودی نداشته و نیز سرمایه گذاران انگیزه سرمایه گذاری در آن را ندارند.

ت- بافت پیرامونی: بافت های هستند که عمدتاً مهاجرین روستایی و تهی دستان شهری را در خود جای داده اند و بدون مجوز و خارج از برنامه ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری (طرح های جامع و تفصیلی) در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است. که رویکرد مداخله در آن از نوع نوسازی، بازسازی پیش بینی می گردد[6].

"نکته مهم درباره بافت قدیم شهرهای ایران این است که در بیشتر شهرها این بافت درست در کنار هسته یا بافت تاریخی شهر شکل گرفته و از نظر ساختار کالبدی- فضایی مانند: هندسه معابر، تعداد طبقات ساختمانی (تناسبات احجام) و سطوح، ارتباط ورودی با معبر، مقیاس ساخت و سازها و فضاهای باز و ساختار فرهنگی و هویتی و... تا حدود زیادی از خاصیت ها و الگوهای موجود در بافت های تاریخی پیروی می کند". تفاوت های موجود بین بافت تاریخی و قدیم به قدری جزئی و کم رنگ است که اغلب هر دو بافت به صورت یک کل واحد قلمداد می شوند و تفکیک آنها نیازمند بررسی دقیق می باشد. همین امر موجب شده که گاهی حتی در ادبیات تخصصی نیز، واژه های بافت تاریخی و بافت قدیم به صورت مترادف و هم معنی به کار روند. در نتیجه، بسیاری از ویژگی های بافت تاریخی را، هم از نظر کالبدی و فضایی و هم از نظر فرهنگی و هویتی، دارا است و هم به دلیل گذشت زمان و دور ماندن از معادله توسعه ی شتاب زده شهر، دچار فرسودگی شده و دارای شاخص های بافت فرسوده است[7].

نگاهی به بافت های تاریخی و ساختارهای جدید (میان افزا)

بافت های تاریخی یکی از ارکان ارزشمند و هویت بخش شهرها می باشند که در آنها عناصر، بناها و نحوه ی شکل گیری شان، نیز شبکه های عبور و مرور در هر بافت تاریخی، نشان از نحوه ی زندگی اجتماعی ساکنینشان داشته و بخش عمده ای از خاطرات شهر قدیم در شاکله ی آن ها معنا یافته و تداوم می یابد. امروزه اهمیت خاطره انگیزی این فضاها و بافت های تاریخی تا حدی است که شان و مرتبه ی آنها از میراث فرهنگی هر کشوری به مثابه ی ثروت ملی آن کشور تلقی می گردد. چراکه در حقیقت همان طور که "شهر خاطره را می سازد، خاطره نیز به شهر شکل می بخشد" و فقدان خاطره و یا خاطره انگیزی یک بافت، محله، کوی و ... به معنای فقدان نقش انگیزی آن در ذهن شهروندان و در نهایت عدم شکل گیری هر نوع حس تعلق خاطری به آن خواهد بود[8]. البته لازم به ذکر است که خاطره نیز صرفاً به معنای ابراز تفحص گذشته نیست، «بلکه صحنه ای است برای

¹ Historical texture

به حال آمدن گذشته، صحنه‌ای است برای پیوند مجدد با محیط، از این رو خاطره تا عمیق ترین لایه‌ها را می‌کاود و امیدها و آرزوهای سرکوب شده را از نو می‌رهاند. «از این رو، توجه به بافت‌های تاریخی و کهن شهری امری واجد اهمیت می‌باشد. چراکه آن‌ها «به علت مملو بودن از تصویرها و تصورات شهری می‌توانند مکانی تازه برای تجربه‌ی شهری دیگر، گونه‌ای دیگر باشد تجربه‌ای که حتماً همانی نیست که می‌تواند در دیگر شهرها وجود داشته باشد و از این سبب بافت کهن می‌تواند آستانه‌ای جدی برای تکوین حافظه‌ی جمعی مردمانی گردد که تجربه‌ی شهری خود را در مکان‌هایی کسب می‌کنند که اکنون دیگر در آن سکنی ندارند. آنان با بازخوانی خاطره‌های خود در مکانی جدید می‌توانند به خلق حافظه‌ای جدید کمک کنند و شهر کهن را دارای حافظه‌ی جمعی جدیدی نمایند. حافظه‌ای تبلور یافته در مکان مشخص.» با این نگرش حتی می‌توان بافت‌های تاریخی شهر را به مثابه‌ی نگین آن شهر نیز عنوان نمود که زیبایی و کمال خود را در اتکا بر تاریخ و از راه زنده نگه داشتن آثار کالبدی خود می‌بینند [9].

تحولات رخ داده در درون بافت‌های تاریخی

درحالی‌که عدم توجه به بافت‌های تاریخی با توجه به گذر زمان و عمر زیاد ابنیه‌ی ارزشمند آن‌ها نیز به قلمداد نمودن آن‌ها (بافت‌های تاریخی) به مثابه‌ی پس مانده‌ای از شهر (شهری که رشد می‌کند و موانع توسعه‌ی کالبدی خود را به آسانی از میان بر می‌دارد)، منجر می‌گردد و درنهایت می‌تواند به نابودی فرهنگ و هویت یک جامعه بینجامد. از این رو و نیز با توجه به گسترش روزافزون صنعت توریسم در جهان و اقتصاد مبتنی بر توریسم، به احیا و باز زنده سازی بافت‌های تاریخی-به ویژه در کشورهای اروپایی-اهمیت شایانی داده شده است. چراکه بهسازی و باز زنده سازی این گونه بافت‌ها در پویایی و ماندگاری آن‌ها و نیز درآمد زایی از طریق جذب توریست تأثیر به سزایی دارد. امروزه به واسطه‌ی این نحوه‌ی نگرش به محله‌ها و بافت‌های تاریخی (و به عبارتی تغییر نگرش پس از جنبش مدرن)، این مکان‌ها به چیزی مطلوب و خواستنی اما کمیاب بدل شده‌اند [10]. مکان‌ها و بافت‌هایی که گاه با در برگرفتن فضاهای شاخص شهر، نظیر مراکز قدیمی شهرها، نماد و شناسنامه‌ی شهر محسوب می‌گردند و از این رو توجه به آن‌ها و شیوه‌ی مداخله‌ی طراحان در آن‌ها به ویژه در آن دسته از بافت‌های تاریخی که دچار فرسایش و روزمرگی گشته‌اند، اهمیتی فراوان یافته است. چنان‌که با احیای اقتصادی این بافت‌ها بنا به وضعیت کالبدی و اجتماعی- فرهنگی شان و با در نظر گرفتن کارکرد صحیح می‌کوشند این مراکز را مجدداً زنده نمایند تا بدین ترتیب یادگارها و یادمان‌های تاریخی، فرهنگی و شهرسازی شهر حفظ شده و به حیات آن‌ها دوام بخشیده شود و بدین سان جاذبه‌های بالقوه مراکز شهری تاریخی به فعلیت درآمده و هویت شهری نیز همچنان از شرایط لازم برای ادامه‌ی حیات برخوردار گردد. به واسطه‌ی این نگرش هم اینک چندی است که حتی برخی شهرها- همچون ساکرامنتو- عملاً کوشیده‌اند که مشخصه تاریخی را به منظور جذب مردم و سرمایه به صورت مصنوعی به وجود آورند و در نتیجه روح زندگی و حیات شهری را ایجاد نموده و یا دوباره زنده نمایند. بدیهی است بازماندن بافت‌های تاریخی از جریان توسعه، به تدریج موجب ایجاد فرسودگی در بافت می‌شود. این فرسودگی یا در «کالبد» و یا در «فعالیت» اتفاق می‌افتد که به آن فرسودگی نسبی فضا گفته می‌شود و یا در «کالبد و فعالیت» به طور یکجا رسوخ می‌کند که به آن فرسودگی کامل فضا گفته می‌شود. فرسودگی عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقع‌ای و شکل گرفتن حیات شهری روزمرهای کمک می‌کند. این عامل با کاهش عمر اثر و باشتابی کم و بیش‌تند باعث حرکت به سوی نقطه‌ی پایانی اثر می‌گردد. در صورت به وجود آمدن چنین حالتی باید مجموعه اقداماتی جهت بهبود وضعیت انجام گیرد. از جمله‌ی این اقدامات می‌توان به مرمت شهری اشاره نمود که به سه طریق عمده‌ی بهسازی، نوسازی و بازسازی صورت می‌گیرد. یک ضرورت در برخورد با بافت‌های تاریخی مسئله دار و یا فرسوده می‌باشد. لیکن از اقدامات عمده‌ی دیگر، طراحی ساختار جدید در بستر تاریخی می‌باشد که مطالعه‌ی آن جز اهداف اصلی پژوهش می‌باشد [11].

ضرورت مداخله در بافت‌های تاریخی

عواملی که مداخله در بافت‌های شهرهای تاریخی که گریزناپذیر می‌سازند و لزوم باز زنده سازی شهرهای تاریخی را مطرح می‌نمایند و یا باعث ساخت و سازهای جدید در این شهرها و بافت‌ها می‌شوند، به این گروه‌ها تقسیم می‌شوند؛

- ۱- تخریب ساختمان و تغییرات ناشی از دخالت های گسسته در روحیه شهر و روند زندگی شهر، به گونه ای تحمیلی از سوی بیگانگان مانند جنگ، شورش ها و غیره.
- ۲- تخریب ساختمان و یا بخشی از آن و دگرگونی های ایجاد شده ناشی از عوامل طبیعی غیر قابل پیش بینی مثل: زلزله، سیل و غیره.
- ۳- تغییرات و مداخلاتی که پیوسته با پاره های از نیازهای محلی و (پیشتر وابسته به نیازها و سلیقه های فردی و تصمیمات قشر اداره کننده شهر و کمتر زاده نیازها و سلیقه های ساکنان بومی) بر فضای کالبدی شهرها اعمال می شوند [12].

مکاتب مداخله در بافت های تاریخی

- ۱- مکتب کارکردگرایی: این مکتب در صفت خاص نظام پذیری گروه ها، نهادها و سازمان های بزرگتر اجتماعی به عمق می رود، در همان حال به سازمان داخلی، مشخصات ساختی و مناسبات مشترک آنها می پردازد.
- ۲- مکتب خردگرایی: الدوروسی معماری بناهای تاریخی را دربرگیرنده خاطرات افکار و آثار و نسل متعدد در گذشته می داند و نقش آن را در خلق هویت اسایی می داند.
- ۳- مکتب فرهنگ گرایی: توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت و ضروری می داند، مرمت و تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه ای از جمله رویکرد های مهم این مکتب است [13].

منشورها و توافقنامه ها طراحی ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی

گروه سیام در رویکرد پیشنهادی منشور آتن (۱۹۳۱ م.) الزام عدم استفاده از سبک های مورد استفاده در معماری گذشته را بیان می کند. در منشور آتن (۱۹۳۳ م.) ساختارهای جدید و مورد قبول در محیط های تاریخی، آنهایی هستند که با احترام به ساختارهای اطراف، توجه به حجم، رنگ و نمای بناهای مجاور، الزام خنثی یا فاقد جاذبه بودن ساختارها و لزوم توجه به خصوصیت، سیما و دورنمای شهری ساخته شده اند. تصویب نامه کنگره کوپینو (۱۹۶۰ م.) مناسب ترین شیوه مداخله در بافت را بازسازی عنوان می کند. این منشور بر لزوم تأمین نیازهای معاصر شهروندان و ساکنان در بافت های تاریخی نیز تأکید دارد. سازمان یونسکو نیز در منشور ونیز (۱۹۶۴ م.) اشاره می کند که به ملحقات بنا طی زمان احترام گذاشته شود و بنای میان افزا علامت و نشانی از زمان خود را منعکس کند [14]. مصوبه اجلاس پاریس (۱۹۶۸ م.) پیشنهاد می کند هر مداخله با توجه به مقررات و قوانینی صورت پذیرد و توسط سازمان های مرتبط بر آن نظارت شود. کنگره رم (۱۹۷۲ م.) نیز لزوم توجه به ساختار و استخوان بندی شهر در کنار توجه به اصالت و شخصیت بافت و بنای تاریخی را در مداخله ها مطرح می کند. در بیانیه روتنبرگ (۱۹۷۵ م.) پیشنهاد استفاده از طرح های مبتکر، که موجب تقویت بافت تاریخی می شوند، ارائه شده است. در یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر (۲۰۰۵ م.) و توصیه نامه منظر شهری (۲۰۱۲ م.) لزوم افزودن ساختارهای جدید در بافت تاریخی با توجه به ارزش های بافت با رویکردی معاصر یادآور می شود. گروه ایکوموس در بیانیه بوداپست (۱۹۷۲ م.) به عدم تقلید و انعکاس سبک های تاریخی در ساختارهای جدید داخل بافت تاریخی اشاره می کنند. در منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی ایالات متحده آمریکا (۱۹۹۲ م.) بیان شده است که ساختارهای جدید با وجود انعکاس معماری معاصر باید در هماهنگی با شاخصه های بافت تاریخی باشند. منشور گردشگری فرهنگی (۱۹۹۹ م.) افزودن ساختار جدید را مستلزم توجه بیشتر بر روش های طراحی، ساخت و حتی استفاده از مصالح بومی می داند. منشور نیوزلند (۲۰۱۰ م.) و کنفرانس مادرید (۲۰۱۱ م.) توجه به زمینه و لزوم هماهنگی ساختار جدید در بافت تاریخی را در کنار لزوم پرهیز از ایجاد ناسازگاری و غلبه بصری ساختار جدید مطرح می کنند. خلاصه ای از مطالب ذکر شده را در جدول شماره (۱) می توان مشاهده کرد.

جدول شماره (۱): رویکرد گروه های حوزه حفاظت در مورد ساختارهای جدید در بافت تاریخی. [۱]

توضیحات	پیشنهاد میان افزایی			حوزه مداخله	تاریخ	نام منشور/کنگره	نهاد اجرایی
	مقبول	مشروط	رد				
به کاربردن سبک های گذشته در ساختمان های جدید عواقبی آسیب زا دارد، کاربری پیشنهادی برای این ساختار موزه است.		❖		بنای تاریخی	۱۹۳۱	منشور مرمت آتن	سیام
ساختارهای جدید باید به سبک معاصر ولی خنثی، صریح و مطابق زمینه طراحی شوند.	❖			شهر	۱۹۳۳	منشور آتن	
برآورد نیازهای معاصر شهروندان شهرهای قدیم و معاصر سازی ضروری است.	اطالعات ناکافی برای تعیین نگرش			شهر	۱۹۶۰	کنگره گوپیتو	
ساختارهای جدید نباید روابط موجود در بافت را (حجم و رنگ) دگرگون کنند. تعادل اجزا و رابطه آن با محیط اطراف جزو اصول پیشنهادی است.	❖			بنا و مجموعه های تاریخی	۱۹۶۴	کنگره ونیز	یونسکو
بر قالب ضوابط بر ساختارهای جدید نظارت شده و از تخریب فضاهای محالت تاریخی به دنبال میان افزایی ممانعت شود.	❖			شهر	۱۹۶۸	اجلاس پاریس	
از اصالت و استخوان بندی بافت حفاظت شده و به ارتباط حجم و رنگ محیط اطراف آسیبی وارد نشود.	❖			شهر	۱۹۷۲	کنگره رم	
توسعه های جدید باید با توجه به شخصیت ساختمان های غالب و کیفیت بصری آنها صورت گیرد.	❖			شهر	۱۹۷۲	بیانیه روتنبرگ	
ساختارهای جدید در صورت الزام و در ترکیب و تلفیق همساز و هماهنگ و با توجه به حفاظت یکپارچگی کلیت بافت طراحی شوند. اجزای این کلیت باید به یکدیگر، به بهترین نحو متصل شوند.	❖					توصیه نامه حراست از محدوده های تاریخی	
ساختارهای جدید نباید سبک شبه تاریخی و توانایی ایجاد پیوستگی فرهنگی از طریق مداخلات را داشته باشند.	❖			شهر	۲۰۰۵	یادداشت میراث جهانی و معماری معاصر	

مداخلات معاصر به طور هماهنگ با میراث یکپارچه شوند.	❖		شهر	۲۰۱۲	توصیه نامه منظر شهری
میان افزایی در بافت تاریخی در ارتباط نزدیکی با مفاهیم طراحی شهری و معیار هرگونه روش طراحی، اعتبار و سندیت بافت تاریخی است.	❖		شهر	۱۹۷۲	بیانیه بوداپست
ساختارهای جدید می توانند به سبک معاصر ولی در هماهنگی با محیط اطراف، مقیاس، ساختارفضایی و اتصال متناسب باشند	❖		شهر	۱۹۹۲	منشور مراقبت از شهرها و مناطق تاریخی ایالات متحده آمریکا
وجه زیبایی، اجتماعی، فرهنگی- طبیعی و زیست محیطی باید مدنظر قرار داده شوند. استفاده از مصالح، مواد و سبک بومی در ساختارهای جدید ارجح است.	❖		مکان	۱۹۹۹	منشور گردشگری فرهنگی
اثر جدید در فرم یا بافت اصیل اولیه نقش تکمیل کنندگی دارد بنابراین باید از تضادهای نامناسب یا ناسازگاری در فرم، مقیاس، توده، رنگ و مصالح پرهیز شود.	❖		تک بنا و شهر	۲۰۱۰	منشور نیوزلند
الحاقات و افزوده های جدید جنبه تکمیل کنندگی دارند. بهتر است از رقابت میان آنها با بخش کهن جلوگیری شده و از زمینه تقلید نشود.	❖		شهر	۲۰۱۱	کنفرانس مادرید

رویکردهای موجود به منظور احیای بافت های تاریخی

موضوع اساسی مواجهه با اینگونه بافت ها ، توجه به احیای آنها با اصل قرار دادن نیازهای ساکنین و افرادی است که ارتباط تنگاتنگ روانی با فضا داشته و یا می توانند برقرار سازند. در عین حال، زندگی در بافت های فرسوده به همان میزان که نیازمند هم احساس بودن با ساکنان است، نیازمند اعتقاد به بروز تغییراتی نو در آنهاست. دامنه برخورد با این موضوع، با رویکردهای مختلف و بعضاً متضاد همراه است. این دامنه، از برخوردهایی بسیار متعصبانه که معتقد به عدم تغییر کالبدی، حفاظت و بهسازی بناهاست آغاز شده و تا مرحله تخریب و دوباره سازی پیش می رود. اما بایستی اشاره شود، برای دستیابی به راهکارها و راهبردهای مطلوب و طرح های قابل تحقق در زمینه احیای بافت های فرسوده، نیازمند بررسی و شناخت دقیق نیازها و کمبودها هستیم. به این ترتیب، با رسیدن به امکانات، محدودیت ها و پتانسیل های آن قبل از هر اقدام و عملیات خاص، با برنامه ریزی و اتخاذ تصمیمات کارآمد در حوزه های مختلف می توان بر مشکلات فائق آمد [15]. رویکردهایی که در انواع مداخله ها تا موجب بهبودی وضعیت بافت می شوند را می توان، به ۴ دسته اصلی تقسیم کرد؛

۱- پاکسازی و توانمند سازی ۲- حفاظت ۳- نوسازی و بازسازی فضایی-کالبدی ۴- نوسازی و بازسازی کارکردی

۱- پاکسازی و توانمندسازی: یکی از بزرگ ترین معضلات بافت های فرسوده ، وجود فقر در لایه های اجتماعی درون بافت است. این موضوع هم برای ساکنین و هم کسبه صادق است. به طور طبیعی فقر اقتصادی، فقر فرهنگی را نیز پدید می آورد. اگر شرایط بافت برای حضور افراد و جریان های فرهنگی فعال، فراهم شود، به یقین در توسعه فرهنگ و اقبال برای حضور در بافت برای مردم دیگر نقاط شهر، مؤثر خواهد بود. این موضوع چندان دور از دسترس نیست، چرا که هستند افرادی که به دلیل دلزدگی از شلوغی شهرهای پرازدحام، حس تعلق به گذشته و درک آرامش آن، به سوی این محیط ها سوق داده می شوند و نیازمند فراهم بودن شرایط حداقلی زندگی هستند. ایجاد این شرایط در درجه اول مستلزم پاکسازی محیط از شرایط نامساعد اجتماعی، فرهنگی، کالبدی-فضایی و... و از سوی دیگر توانمندسازی ساکنین آن در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... تا حد امکان است [16].

۲- حفاظت: امروزه این پدیده در بسیاری از بافت ها رایج است و برخی آن را کاملاً قابل قبول می دانند و معتقدند که در درجه اول، برای هماهنگی و سازگاری با بافت موجود باید نسبت به آنچه به دید می آید، حساس بود. بنابراین ما با بدنه ها، فرم ها و فضاهایی مواجه هستیم که نیازمند تجدید حیات و محافظت هستند. در حقیقت، حفاظت؛ عمل یا فرآیند نگهداری و پایدار کردن مصالح و فرم موجود (کالبد یا فضا) و سازگاری محیط پیرامون با آن در عین حفظ ارزش تاریخی آن ها است، در حالی که ارزش تاریخی آنها حفظ شود.

۳- نوسازی و بازسازی کالبدی-فضایی: بافت های فرسوده را باید به الزامات زندگی امروز مجهز کرد. ما زمانی بافت های مسئله دار نخواهیم داشت که آن را در تمامی شئون زندگی با شهر امروزی هم پیوند کنیم. بنابراین، در برخی موارد ضروری است که بازسازی ها و نوسازی هایی صورت پذیرد و اجازه حضور ساختارهای جدید و میان افزا وجود داشته باشد. در بافت کهن فرسوده، رعایت هماهنگی و همگونی با بناهای همجوار از طریق طراحی شکل کلی، فرم بدنه ها و تناسب ارتفاع بنا از اصول مهم قلمداد می شود، ولی برخی عقیده دارند فرم های ناهماهنگ می تواند حس پیشرفت را در این بافت ها زیاد کرده و به توسعه آن کمک کند. در هر حال این طور به نظر می رسد که رعایت هر دو اصل به صورت هماهنگ و متناسب برای بافتی کهن و فرسوده ضروری است و روند احیا و توسعه آتی را سهل تر و مطلوب تر خواهد ساخت [17].

۴- نوسازی و بازسازی کارکردی: کشف دوباره فضاهای قدیمی در بافت های فرسوده ضروری است. زمانی که براساس نیاز در بافتی، تجدید حیات کارکردی صورت می گیرد، به طور عمده، این کارکردها از نوع تفریحی-توریستی خواهند بود، به این ترتیب که از بناهای قدیمی برای کاربری هایی مانند موزه، مهمانسرا، رستوران استفاده می شود و یا این گونه کاربری ها در ساختارهای جدید جای می گیرند. هرچند که به دلیل ویژگی های اصلی بافت که اکثراً جنبه مسکونی دارند، کاربری های یاد شده مفید است، اما با گسترده شدن نیازها و به منظور سرزنده سازی و ایجاد جاذبه، به عملکردهای جدید با ساختارهایی جدید و مناسب نیاز خواهد بود [18].

رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی

تا قبل از تدوین دکترین های مرمت که سابقه آنها به اواخر قرن نوزدهم میلادی برمی گردد، به لحاظ ابعاد کم تغییرات در هنجارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه جهت گیری مشخصی در نحوه احداث ساختارهای جدید در زمینه های تاریخی وجود ندارد. طرح مبانی حفاظت و مرمت آثار تاریخی که در قرن نوزدهم امکان بروز و ظهور یافت با نظرات افراطی لودوک و راسکین آغاز گشت. لودوک ضمن لزوم تخریب و بازسازی، به بازگرداندن بنا به شکل اصلی آن جهت یکپارچه کردن و در سبکی مشخص قرار دادن بنا معتقد بود؛ اما در مقابل، راسکین، مرمت محتاطانه ی تاریخی را با روحیه ای کاملاً رومانیتیک مورد توجه قرار می داد. این اندیشه ها در دوره های بعد با نظرات بوییت و در خصوص افزودن بناهای جدید به بناهای تاریخی با هدف کاراتر شدن بناهای گذشته تکمیل گشت. در کنار نظریه های وی که با اعتقاد به عدم تقلید از سبک های معماری گذشته بر لزوم ایجاد تفاوت بین سبک جدید و قدیم تأکید می کند، کامیلوسیت توجه به ویژگی های بافت های قدیمی و دست یابی به الفبای مرمت را به عنوان راهنمایی برای معماران عصر حاضر ضروری می داند. اما نخستین فردی که نظریات مدون خود را در مورد ساختارهای جدید مطرح می سازد، جیووانونی است [19]. جیووانونی بر عدم ساخت بنای مدرن در کنار بنای تاریخی، به دلیل اهانت به سبک

آن تأکید و در عین حال، به اخذ سبک بنای تاریخی و ارائه ی آن به صورت ساده و خلاصه شده توصیه می کند. تمام گفته ها و تجربیات وی در طی سال های قبل از کنفرانس آتن در اذهان اصحاب فرهنگ، معماران و باستان شناسان اثر گذاشته بود، و سرانجام توانست در وضع و تدوین کنگره بین المللی آتن، نقش و تأثیر به سزایی داشته باشد. در پی منشور آتن و با وجود تلاش های بسیار و آراء و نظریات متفاوتی که از اوایل قرن نوزدهم در باب حفاظت و مرمت بناهای تاریخی کسب گردید، به تدریج زمینه ی مساعدی برای تدوین ضوابط بین المللی فراهم گشت. تفاوت های موجود در رویکرد توافقنامه های مختلف نسبت به این موضوع، سیر تکاملی ای را، از نگاهی محافظه کارانه در مداخلات جدید تا استفاده از پتانسیل عناصر معاصر نشان می دهد. به طور کلی نه تنها این اسناد حضور معماری معاصر را منع نکرده اند، بلکه حضور ساختارهای جدید را در زمینه ی تاریخی سبب تداوم تاریخ و غناء یافتن محیط های تاریخی دانسته اند، اما همگی بر این موضوع اشاره و بر آن تأکید داشته اند که حضور ساختاری جدید نباید حیط اطراف را تحت تأثیر قرار دهد؛ به گونه ای که ضمن توجه و در نظر گرفتن حجم، رنگ، شکل، تناسبات، مقیاس و مصالح وجود، بر بناهای اطراف غلبه نکند و به چشم اندازها و دیدهای با اهمیت آسیب نرساند [20]. این رویکرد می تواند با ایجاد بنایی مدرن و یا بنایی با اقتباس از بناهای اطراف ایجاد شود، اما آنچه که مورد تأکید قرار گرفته است عدم تقلید صرف از بناهای تاریخی و سبک های گذشته است؛ به طوری که ضمن سازگاری با بناهای تاریخی و احترام به خصوصیت آنها، از سبک هایی که بیان کننده روح زمان خود هستند بهره برد. از این طریق می توان ساختاری را خلق کرد که به عنوان «میراثی برای آینده» بهترین معرفی از معماری زمان خود باشد [21].

نگاهی به تاریخچه اصول و منشورهای ارائه شده در خصوص طراحی ساختارهای جدید در بافت های تاریخی

با نگاهی به جنبش های صورت گرفته در خصوص حفاظت میراث در طول ۵۰ سال گذشته، نخستین نتیجه ای که حاصل می شود، این است که به طور کلی در طول هر یک دهه، کمیته بین المللی حفاظت روی یافتن راه حلی برای یک و یا دو چالش مهم و اصلی تمرکز داشته، در حالی که ممانعتی با سایر موضوعات مهمی که مشخص کننده یک دوره ماندگار هستند، ندارد. از جمله، دهه ۱۹۶۰ به نام دهه اجماع نظریه های ساختمانی خوانده می شود. دهه ۱۹۷۰، دهه فهرست بندی میراث است، دهه ۱۹۸۰ دهه مدیریت محوطه ها بود؛ و دهه ۱۹۹۰ به عنوان چشم اندازهای فرهنگی محوطه های مقدس، زیستگاه های بومی، که اینها اشتیاق محافل و مناظره های جهانی را در خصوص تعریف معنا و مفهوم اصالت برانگیخت. نتایج به دست آمده در طی دهه ۱۹۹۰، راه را برای دستیابی به ارزش های فرهنگی مادی و غیرمادی و ویژگی های کالبدی در یک محوطه باز کرد و در طول مدت همین دهه سبب شد تا کاوش های گسترده ای در حوزه حفاظت از وجوه ناملموس میراث ساخته شده (مصنوع) صورت گیرد. جنبش های صورت گرفته در طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. بیشتر شامل حفاظت به شکل زمینه گرا و تلاش برای همساز و هماهنگ کردن گذشته با زمان حال و یا «قدیم» با «جدید» بود [22]. البته این فرایند با تأکید بر «قدیم» و با توجه به مقیاس ساختمان ها، مصالح و سبک های معماری همراه بود. سرانجام این فرایند به تفسیر آزادانه تری از ساختمان ها و محدوده های تاریخی تبدیل شد در پس زمینه گرایی کامل مباحثات ادامه داری در مورد این که چه چیز باید در پس ظاهر مکان ساخته شود تا به سوی سازماندهی فضایی با خصایص فرهنگی عمیق گام برداریم، شکل گرفت. این جهت گیری پیش از آن که رسمی باشد وضعیتی تمثیلی است که براساس سازماندهی محیط شکل می گیرد. در کوتاه مدت با توسعه این رویکرد در محدوده زمانی در حدود ۱۰۰ سال گستره ای از ایده ها و برنامه هایی برای ارجاع و نگاه به گذشته را به دست آمد: حمایت، مراقبت، مرمت، بازسازی، حفاظت، زمینه گرایی، بازتفسیر، و باز تفسیر انتقادی. بر این اساس، شاید بتوان رویکردهای کلی دیگری را که شامل احساس قدرشناسی نسبت به گذشته اند، مثل ایجاد هماهنگی، اتصال و درجه بندی را اضافه کرد. مراقبت، محافظت و سایر فرایندها را می توان به صورت همزمان حتی برای یک محدوده اعمال کرد. به هر صورت، این بدان معناست که وقتی با فرصت هایی برای بازسازی در وضعیت های نامناسب شهری مواجه شویم باید به انتخاب برنامه ای مناسب که متشکل از ترکیبی از فعالیت های فوق الذکر است توجه بسیاری مبذول داشت [23].

ساختارهای جدید محرک توسعه بافت های تاریخی

اساساً طرح مباحث مربوط به ساختارهای جدید در محیط های قدیمی و تاریخی، با ظهور فن آوری و شهرسازی جدید در قرن نوزدهم میلادی هم زمان است. زیرا در این زمان است که ما شاهد تضاد آشکارا میان «شهرهای سنتی» با «مفهوم توسعه به شیوه جدید» هستیم. به دنبال بحث های نظری و فلسفی فراوان که در رابطه با ساختارهای جدید مطرح است، «ایکروم»^۳ در بخش نهم کتاب «رهنمودهای مدیریتی برای اماکن میراث فرهنگی جهانی»، در باب ساختارهای جدید در بافت کهن، رهنمودهایی را ارائه داده است. ایجاد ساختارهای جدید در بخش درونی یا قدیمی شهر، شامل طراحی کالبدی قسمت های مخروطی و فرسوده، طراحی تعریض و تصحیح کوچه های قدیمی، طراحی در مرکز شهر، طراحی در مراکز محلات، طراحی دوباره خیابان ها و میدان هایی که در بخش قدیمی واقع شده است، صورت می گیرد و از سوی دیگر احیای کارکردهای موجود و یا تزریق کارکردهای جدید و مورد نیاز، همگام با تغییرات کالبدی آن خواهد بود. نمونه هایی از بافت فرسوده شهرهای پاریس که در آن ساختارهای جدید به عنوان عامل محرک توسعه در راستای بهسازی و نوسازی بافت و حوزه مجاور آن مطرح می شوند، از نمونه های موفق این امر می باشد که بایستی از نتایج آن بتوان در جهت ایجاد وضعیت مطلوب و راهبرهای توسعه برای بافت های فرسوده ایران استفاده کرد [24].

تأثیرات ساختارهای جدید در بافت های تاریخی

امروزه اشتباه در اجرای طرح های آماده سازی از دیدگاه حفاظت، بهسازی و نوسازی باعث شده است تا با بافت های فرسوده و یا کهن با سیاست بساز و بفروشی برخورد شود. در حالی که طی دو دهه اخیر در «پاریس» پس از کشف فضاهای گمشده در بافت تاریخی، پروژه هایی به عنوان پروژه های «تحریک توسعه» تهیه و اجرا کرده اند. این پروژه ها به صورت نقطه ای و موضعی به اجرا درآمده و به تدریج و در طی زمان، شاید حدود ده سال، با مشارکت مردم هاله وسیعی پیرامون فضاهای کشف شده، تحریک توسعه کرده، نوسازی، بهسازی، مرمت و تجدید حیات شدند. این همان «تئوری مرکز» است که در آن مراکز به عنوان سیستم های شناخته شده ویژه ای، در ایجاد «تحریک توسعه» مجموعه یا کلیت های وسیع تر بافت کهن به عنوان بخش های فطری و برجسته پدیدار می شود و به عنوان نتیجه یک کلیت عمل می کنند [24]. به نظر می رسد با راهکارهای موضعی در این زمینه و جلوگیری از اقدامات گسترده که الزامات مالی، اجرایی، حقوقی، فنی و حتی مدیریتی گسترده ای می طلبد، شرایط اولیه برآورده ساختن نیازهای ساکنین و مردم مراجعه کننده به این گونه بافت های شهری حاصل آید. در واقع آنچه از این روش بدست می آید، اقدام در مقیاس طراحی شهری است که منجر به تدوین طرح های واقع بینانه و مرتبط با مردم است. در راستای پیشبرد اهداف طرح ساختارهای جدید میان افزا در بافت های فرسوده، که همانا به سازی و نوسازی بافت از رئوس اصلی آن است، اقدامات انجام شده بیشتر تحریک توسعه در بافت را مورد توجه قرار داده و از مداخله گسترده در اینگونه بافت ها جلوگیری می کند. این امر از طریق برگزیدن درست کانون های مداخله صورت می گیرد، تا این کانون ها پیرامون خود، تحریک توسعه کنند. به منظور تحریک توسعه باید سرمایه اولیه ای را تزریق کرد تا سرمایه خصوصی جذب شود. نمونه این پروژه ها را هم اکنون در شهرهایی مثل پاریس، لندن، مونیخ، رم و فلورانس می توانیم ببینیم که بافت های فرسوده تا حدود دهه ۱۹۶۰ میلادی به بافت های پویای اکنون تبدیل شده و در اکثر موارد منابع عظیم جذب سرمایه صنعت گردشگری شده است [21].

ضوابط بین المللی در ارتباط با طراحی در بافت های قدیمی

قطعه نامه ها، معاهدات و منشورهای بین المللی عموماً از ساختار یکسانی برخوردار هستند، به این ترتیب که در ابتدا از مسائل مشترک سخن می رود. در ادامه تعدادی از مهمترین این اسناد در خصوص حفاظت و مرمت محوطه ها و شهرهای تاریخی از منظر توسعه و ساخت و سازهای جدید مورد بررسی قرار می گیرند. اسناد گفته شده در برخورد با موضوع مداخلات و ساخت و سازهای جدید از دیدگاه های یکسان برخوردار نبوده و بنا به خاستگاه و اهداف خاص خود، موضع گیری های متفاوتی نسبت به

موضوع نشان می دهند. از این جهت و به واسطه سهولت مطالعه و ارزیابی، اسناد یاد شده پس از بررسی های محتوایی، در قالب سه گروه به ترتیب زیر دسته بندی شده اند [22].

- ۱- گروه اول: این گروه از اسناد اصولاً یا مخالف ساختارهای جدید در محوطه های تاریخی هستند و یا آنکه با تأکید بر حفاظت، مرمت و بازسازی تاریخی، نسبت به ساخت های جدید به صورت بسیار محدود و حاشیه ای برخورد کرده اند.
- ۲- گروه دوم: در این گروه موضوع ساخت و سازهای جدید به عنوان یک واقعیت و تغییر گریز ناپذیر در بافت پذیرفته شده و با توجه دادن به جنبه هایی محدود از ویژگی ها و خصوصیات محوطه های تاریخی، ساختارهای جدید مشروط گردیده اند.
- ۳- گروه سوم: در این گروه موضوع ساخت و سازهای جدید در محوطه های تاریخی نه تنها پذیرفته شده که تشویق نیز گردیده و در مواردی حضور آن عامل ایجاد روحیه و حیات شهری و یا به عنوان سهم عصر حاضر در میراث فرهنگی معرفی گردیده است. برخی اسناد این گروه با گشاده دستی و توجه بیشتر نسبت به شرایط این حضور به آرایه معیار پرداخته اند. یکی از نخستین نمونه های این نشست ها، کنگره آتن بوده است که ماده ۷۰ آن به کار بردن سبک های گذشته در ساختمان های جدید واقع در محوطه تاریخی را مردود اعلام می کند. این ماده هر گونه بازگشت به گذشته را نفی می کند. زیرا به اعتقاد شرکت کنندگان در آن کنگره، شاهکارهای گذشته طریق تفکر و اندیشه های زیبایی شناسی هر نسلی را به ما نشان می دهند [18]. تقلید گذشته همان تن در دادن به دروغ بوده و به معنای بالابردن «بدل» تا «اصل» است؛ چون هیچگاه نمی توان شرایط کهنکار را تجدید کرد. ماده یک از کنگره ونیز در این باره معتقد است که مفهوم اثر تاریخی نه تنها شامل ساخته های منفرد معماری می گردد، بلکه «فضای شهری» و مناظری را که شاهد گویایی از یک تمدن خاص، از یک تحول مشخص یا از یک حادثه تاریخی به شمار می آیند نیز در بر می گیرد. ماده ۶ از همین کنگره بر حفاظت محیط اطراف علاوه بر نگه داری ابنیه تاریخی تأکید می ورزد. احداث هرگونه ساختمان جدید در آن محیط و همچنین تخریب بناها و یا تغییر نحوه استفاده از آنها به طوری که در روابط، حجم و رنگ آن ها تاثیر بگذارد، به کلی ممنوع است. بیانیه بوداپست نیز بر کلیت گذشته، حال و آینده تأکید داشته و اعتقاد به حفظ هماهنگی میان هر سه زمان دارد. اهداف این بیانیه عبارت اند از: الف) معماری معاصر در مجموعه های ساختمان قدیمی، و ب) باززنده سازی ابنیه یا بافت با عملکرد مناسب. اصول پیشنهادی بیانیه بوداپست نیز ضمن ارزش قائل شدن به مجموعه های تاریخی، بر اجتناب از هر گونه تقلید از مجموعه ها و ابنیه تاریخی گذشته تأکید می کند. بیانیه ترینیدا نیز استفاده از شیوه های معماری بومی، بهره گیری از مصالح محلی و مشارکت مردم بومی در تصمیم گیری های حفاظتی را توصیه می کند. اساس طرح مسئله ساختار جدید در محیط تاریخی به طور شاخص در قرن ۱۹ همراه با گذار از جهان سنت به مدرن مطرح می شود [21].

اصول طراحی ساختارهای جدید زمینه تاریخی

رویکرد های متفاوتی در پاسخ به نحوه ساخت و ساز بناهای میان افزا در بافت های تاریخی وجود دارد. انتخاب هر یک از این روش ها تابع مواضع نظری و فلسفی معماران و در مواردی هم ناشی از نداشتن سبک و عدم شناخت محیط های تاریخی است. همان طور که گفته شد، طراحی ساختار جدید در زمینه تاریخی موضوعی است که طی چند دهه اخیر از سوی مجامع بین المللی مورد توجه قرار گرفته و این امر به تعریف قواعد و ضوابط در منشورهای بین المللی منجر شده است. با مطالعه این منشورها و بیانیه ها می توان نتیجه گرفت که قسمت هایی از این قواعد بین تمامی این بافت ها (بدون در نظر گرفتن ویژگی های مربوط به اقلیم، فرهنگ و پیشینه تاریخی آنها) مشترک هستند [23]. توجه به این اصول و بومی کردن آنها بر اساس خصوصیات و نیازهای موجود در یک بافت تاریخی، باید به عنوان یک هدف در دستور کار هر برنامه مرمتی و حفاظتی بافت قرار گیرد. اصول کلی که در طراحی ساختار میان افزا باید مد نظر قرار گیرد؛

ارزش و اصالت: از مهمترین مواردی که باید در طراحی ساختار جدید مورد توجه قرار گیرند، ارزش های موجود در بافت های تاریخی هستند. «ارزش، مفهومی انتزاعی است که به عنوان معیار سنجش مطلوبیت هر پدیده در نظر گرفته می شود. با این حال باید توجه داشت که این مفهوم، نسبی است و ممکن است نسبت به دو عامل زمان و مکان و در ارتباط با فرهنگ ها و گروه های مختلف تغییر کند». به هنگام طراحی، مفاهیم و مضامین نهفته در زمینه های تاریخی باید مدنظر قرار گیرند. در واقع باید تعادلی بین توجه به ارزش های اصیل بافت و استفاده از نوآوری و فناوری های روز در طراحی برقرار شود که این امر مهم بر عهده

طراحان و معماران است. معماران قدیمی، بر اتصال خود با تاریخ، تأکید فراوانی داشتند. به هنگام طراحی نوین در بافت تاریخی توجه به سنت ها و اصالت بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه این عوامل به عنوان نیروی محرکه شهر عمل می کنند. ساختار جدید باید اصالت و ویژگی های بافت تاریخی را حفظ نموده و آن را تقویت نماید. در هنگام کار با محیط تاریخی، نیازمند حساسیت به ریشه ها هستیم. هدف، حفظ ارزش های گذشته است، در حالی که آمادگی تغییر بعضی اجزاء به منظور درج اجزای جدید برای انطباق یافتن با الگوهای نوین فعالیت، تکنولوژی های در حال توسعه و امکان ادامه زندگی بنا و بافت فراهم می گردد.

مدیریت تغییر: از دیگر مواردی است که به هنگام طراحی در زمینه تاریخی باید مورد توجه قرار گیرد، به طور طبیعی گذر زمان با تغییر همراه است. مدیریت میزان و نحوه تغییر در بافت تاریخی از چالش های همیشگی در این بافت هاست که شیوه توسعه و طراحی جدید در آنها را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. قدرت طراحان در این است که با حس مسئولیت، احترام به شخصیت ویژه محیط و نگرش اصولی نسبت به تغییر، توسط کاهش یا افزایش متن تاریخی، موجبات بهبود بافت را فراهم آورند [18].

یکپارچگی و انسجام: طراحی و ساخت و ساز جدید در بافت تاریخی، نباید یکپارچگی و انسجام آن را خدشه دار سازد. عدم توجه به یکپارچگی بافت موجب برداشت نادرست و عدم درک ارزش های نهفته در آن می شود. بنابراین ضمن ایجاد تغییر و ساخت بناهای جدید در زمینه تاریخی، رعایت نوآوری باید کمترین آسیب بصری را به یکپارچگی آن وارد کند.

زیبایی: به اعتقاد کانتاکزینو اساسی ترین ضابطه در طراحی، که ابتدا و انتهای هرگونه ضابطه ای است، زیبایی است. دیگر ملزومات عبارت اند از: بیان صحیح از عملکرد بنا، یکپارچگی یا صداقت در ساخت، سادگی طراحی که در عین اینکه به نیازها پاسخگو است، بخش زائدی را نمایش نمی دهد و بالاخره هماهنگی که هم در درون بنا و هم در ارتباط با محیط شهری گسترده تر اطرافش، مورد نیاز است، وی به رغم دیگر نظریات رایج، بازگشت به سبک های بومی اولیه و استفاده از مصالح سنتی را راه حلی مؤثر ندانسته و بر حفاظت از مقیاس، بافت و هماهنگی تأکید می نماید [18].

پیوستگی: تمام سیاست گذاران بر لزوم حس پیوستگی از جهات مختلف، فارغ از هرگونه سبک، محیط، مشتریان و طراحان، تأکید می کنند. نکات برجسته ای که در مورد پروژه های جدید انجام یافته در نواحی مهم تاریخی قابل تأمل است، این است که همگی در عین توجه به تاریخ، به واژگان معماری قرن بیستم نیز توجه نموده اند؛ به گونه ای که می توان گفت معماری مدرن امروزی دیگر قطع رابطه با گذشته و سنت ها نیست.

کاربری: انتخاب کاربری مناسب نیز با توجه به کاربری های موجود در بافت تاریخی از دیگر قواعد طراحی بنای جدید است. در انتخاب کاربری جدید، تغییر در معیشت ساکنان و احترام به عایق، سنن و خواست مردم محلی، هماهنگی با اقلیم و همچنین تطبیق کارکرد جدید با کالبد تاریخی باید مدنظر قرار گیرد. به طور کلی آنچه که باید همیشه و در همه موارد طراحی میان افزا در نظر گرفت این است که «ساخت و سازهای جدید باید روح زمان حاضر را القاء و بیان کنند، ولی در عین حال طرح آنها باید زمینه تاریخی که در متن آن قرار گرفته اند را مورد توجه قرار دهد. راه حل ها و مسائل مربوط به طراحی این گونه بناها، بر اساس ارزش ها و سنت های فرهنگی خاص منطقه تاریخی مورد نظر،

نوع وضعیت ساختارهای موجود، میزان همگونی با محل و غیره متفاوت خواهد بود» [20].

تجارب فنی و عملیاتی مداخله در بافت تاریخی شهری

بررسی تجارب فنی و عملیاتی در واقع دانش شکل بخشیدن به تجربه متناسب با امیال و آرمان های فردی و سازمانی است. به طور کلی بررسی تجارب فنی و عملیاتی به این موضوع می پردازد که چگونه از دل تغییرات و تحولات امروز واقعیت فردا تولد می یابد. چنان که ملاحظه می شود، سازماندهی امور جامعه نمی تواند از تفکر درباره تجربه فارغ باشد. باید با تفکر در مورد تجربه به کشف آن بپردازیم، به گونه ای که بتوانیم آن را آن گونه که مایلیم بسازیم [22]. امروزه دانش ابزار مهم قدرت به شمار می رود چنان که دانشمندان نیز افسران بزرگ این سناریو قدرت اند. آنان باید این توانایی را داشته باشند که با چشم تیز بین خود دور دست را ببینند و بتوانند حیطه و قلمرو حرکت دانش را شناسایی کنند. تجارب فنی و عملیاتی به مطالعات تجربه معنی شده است و اکنون به عنوان یک رشته علمی در دنیا شناخته می شود که مراکز علمی متعددی برای آن تأسیس شده است و می کوشد با استفاده از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها و به کارگیری روش های علمی دریچه ای به سوی تجربه بگشاید.

تجارب فنی و عملیاتی فراتر از پیش بینی است و ادعای پیش گویی هم ندارد، بلکه هنر شکل دادن تجربه با نگاهی که ما می خواهیم است و سندهای بالادستی هر کشور نیز بر اساس همین علم پیش بینی شده و برنامه های چند ساله و بلندمدت کشور هم بر همین اساس تنظیم می شود [22]. در تجرب فنی و عملیاتی، تجربه های ممکن که به سعاد یا عدم سعاد بشر می انجامد، شناسائی می شود و در نهایت تجربه ای معرفی می گردد که در آن بشر سعاد و رفاه بیشتری کسب نماید. از سویی دیگر، تجرب فنی و عملیاتی با شناخت عوامل تغییر و دگرگونی نیز پیوند می خورد. تجرب فنی و عملیاتی کشف و تحلیل عوامل تأثیرگذار نسبت به تجربه، به هدف ایجاد تجربه مطلوب است. به منظور تعیین رویکرد تجرب فنی و عملیاتی، تجرب فنی و عملیاتی را رشته ای ارزشی- منطقی می داند پنتی مالاسکا که با تمام علوم عادی که هدفشان ارزیابی سیاست بی طرفی است، در تضاد است. تجرب فنی و عملیاتی بر جایگزین های مختلف استوار است و به طور فعال تصاویر مطلوب خودش را نسبت به تجربه تعریف می کند. تجرب فنی و عملیاتی سعی دارد دورنگری ها و عواقب تصمیمات مختلف را مشخص کند تا ارزش ها و روندهای مشخصی را ارتقا دهد یا مورد سؤال قرار دهد. تجرب فنی و عملیاتی ادعا می کند حتی ارزش ها می توانند به صورت منطقی مورد بحث و مطالعه قرار گیرند. تجرب فنی و عملیاتی رشته ای علمی است، تنها نکته ای که وجود دارد این است که تجرب فنی و عملیاتی نسبت به علوم دیگر، گستره تحقیقاتی وسیع تری دارد، زیرا هدف تحقیقاتی آن تجربی نیست و توسط طبیعت تعریف نشده است. اما این بدان معنا نیست که نمی توانیم از محیط کنونی خود، از همان راهی که به تاریخ و بازاریابی می رسیم، به تجربه مربوط برسیم؛ بنابراین این هدف تحقیقاتی غیرعادی رشته تحقیق را به شناخت شناسی یکتایی رسانده است که آن را از اصول و روش شناختی های تمام علوم عادی متمایز ساخته است نامعین بودن شرایط و دگرگونی های مداوم محیط، تجربه پژوهان را واداشته است که تجربه های متعدد را در برنامه ریزی در مد نظر داشته باشند. بر این اساس، تجربه پژوهان سه گام می پیمایند: در گام اول هر تجربه ای را که ممکن است در انتظار یک سازمان باشد شناسایی و فهرست می کنند. در گام دوم، از میان تجربه های ممکن، محتمل ترین آنها را مشخص می نمایند و در گام نهایی مطلوبترین تجربه را که با ارزش ها و آرمان ها سازگاری بیشتری دارد شناسایی می کنند. سپس آینده مطلوب برای تصمیم گیری در اختیار مدیران ارشد سازمان قرار می گیرد تا برنامه ریزی ها برای تحقق آن صورت گیرد. بدین گونه، تجربه ممکن، تجربه محتمل، و آینده مطلوب شکل می گیرد [23].

طراحی ساختارهای جدید در پهنه های تاریخی

ساختارهای جدید که بیانگر هنر و معماری هر دوره ی زمانی است، به حکم پویایی و حیات یک شهر زنده در شهرها جلوه می کند. این امر به ویژه در مراکز تاریخی شهرها که تشکیل دهنده کلیت وسیع تری است حائز اهمیت می باشد، هم از این رو بافت های تاریخی واقع در مرکز تاریخی شهرها می بایست به عنوان بخشی از واقعیت پویای زمان حال مورد توجه قرار گیرد و بدین ترتیب مخالفت با احداث ساختارهای جدید در بافت های تاریخی درواقع توقف حیات این بخش از شهر و یا سوق پویایی آن به سمت ایستایی به شمار می رود. در این بین و از میان تکنیک ها و روش های متنوعی که در حفظ بافت های تاریخی استفاده می شود (از قبیل، حفاظت، احیا، مرمت و...) ساخت بناهای میان افزا از جایگاه ویژه ای برخوردار است. درواقع اگرچه حفاظت به عنوان گام اول در امرا حیات شناخته می شود، اما بسیاری از بناها و مناطق تاریخی همزمان با حفاظت نیازمند توسعه نیز می باشند؛ در واقع توسعه و حضور ساختارهای جدید در زمینه های تاریخی می تواند سبب تداوم تاریخ و غنا یافتن محیط های تاریخی گردد [24].

اصول و ضوابط مدون طراحی در بافت تاریخی

لزوم توجه و به کارگیری منشورها و آیین نامه ها در حوزه اجرا و به خصوص در برخورد با بافت های تاریخی امری بدیهی است، اما اینکه تا چه اندازه این دستورالعمل ها به کار گرفته می شوند و مسئولین و مجریان شهری به آنها پایبند هستند، مسأله دیگری است. در نگاه کلی آنچه به عنوان یک اصل فراموش شده به چالش گذاشته می شود، کاربردی کردن همین دستورالعمل ها در برنامه ریزی بافت های تاریخی شهری است. وفاداری به دستورالعمل های ذکر شده و بومی کردن آنها براساس نیازهای موجود

در یک بافت تاریخی، باید به عنوان یک هدف در دستور کار هر برنامه مرمتی و حفاظتی بافت قرار گیرد. در این پژوهش، جهت نیل به این هدف، به بررسی وجوه خاص طراحی در محیط های تاریخی پرداخته شد. در ادامه اصول و ضوابط مرتبط با این وجوه مورد بازخوانی قرار می گیرد. در این استخراج و انطباق، نکته اساسی که مورد توجه قرار دارد، کاربرد شیوه های مدیریتی و برنامه ریزی در برخورد با بافت های تاریخی است. از این رو تلاش شده، تا نیازها و کمبودهای مدیریتی و کالبدی موجود در محدوده بافت های تاریخی مورد تأکید قرار گیرد. به طور عمده، در حال حاضر، بافت های تاریخی درون شهری کشور با مشکلات عمده ای در حوزه کالبد معماری، منظر، شبکه دسترسی ها، یکپارچگی درونی بافت و مالکیت ابنیه درگیر هستند. البته، مسائل ریزتر و فراوان تری نیز به چشم می خورد که گاه در مناطق مختلف به شکل های گوناگون بروز پیدا کرده اند. البته، بسیاری از آنها از همین چند مسأله عمده مطرح شده سرچشمه می گیرند. لذا در این پژوهش، رویکرد عمده بر مسایل عمومی تر استوار شده و جداولی جهت بررسی و ارائه راهکارهای بین المللی در رابطه با آنها تنظیم گردیده است؛ وجوه خاص طراحی معماری در برخورد با بافت های تاریخی را می توان به شرح زیر بیان نمود؛

۱) کالبد معماری در بافت تاریخی

الف) گونه شناسی، (ب) الگو، (ج) مواد و مصالح، (د) دانه بندی، (و) عرصه و اعیان، (ه) جزئیات معماری، (ی) هماهنگی با محیط طبیعی پیرامونی،

۲) پیوستگی و یکپارچگی بافت تاریخی و بافت پیرامونی ملحق به آن

۳) کاربری های موجود و ملحق به بافت:

الف) معیشت، (ب) تطابق با محیط اطراف،

۴) شبکه دسترسی های بافت تاریخی

۵) منظر بافت تاریخی

الف) تراکم

ب) پراکندگی

ج) خط آسمان

۶) مالکیت ابنیه در بافت های تاریخی

جدول شماره (۲): ضوابط و دستورالعمل های طراحی معماری در بافت های تاریخی در تطبیق

با وجوه خاص طراحی معماری در آنها [23]

ضوابط و استانداردهای مدون	وجوه خاص طراحی
۱. لزوم حفظ الگوهای معماری سنتی در طراحی در بافت های تاریخی.	کالبد معماری
۲. هماهنگی با محیط طبیعی و مقوله زیست محیطی و جغرافیایی.	الف) گونه شناسی
۳. هماهنگی با محیط تاریخی.	ب) الگو
۴. حساسیت به ریشه ها.	ج) مواد و مصالح
۵. لزوم مدیریت تغییر با گذشت زمان.	د) دانه بندی
۶. توجه به زیبایی بافت، سادگی طراحی در عین توجه به نظم، وحدت، ارتباط و وابستگی، تعادل و هماهنگی و پرهیز از تضاد زیاد.	و) عرصه و اعیان
۷. توجه به شکل و فرم و ترکیبات به کار رفته در ابنیه و بافت پیرامونی آنها.	ه) جزئیات معماری
	ی) هماهنگی با محیط طبیعی پیرامونی
۱. حفاظت به شکل زمینه گرا (هماهنگی جدید با قدیم).	پیوستگی و یکپارچگی
۲. اصالت و شخصیت کلی ارگانیزم های شهری باید مود حفاظت قرار بگیرد.	
۳. حفاظت فراگیر: شامل تحلیل کالبدی-فضایی و بازساخت شالوده های آن.	

۴. کیفیت دوباره بخشیدن به محله های کهن بدون دگرگونی های اساسی در ترکیب اجتماعی ساکنان.	
۵. دقت در مضامین نهفته در بافت تاریخی.	
لزوم ایجاد یکپارچگی در متن تاریخی.	

جدول شماره (۳): ضوابط و دستورالعمل های طراحی معماری در بافت های تاریخی در تطبیق با وجوه خاص طراحی معماری در آنها [23]

ضوابط و استانداردهای مدون	وجوه خاص طراحی
۱. توجه به ارزش های اجتماعی معماری و شناخت حقایق ناشی از آگاهی عامه به این موضوع. ۲. توجه به کار ویژه های گوناگونی که منطقه شهری در طول زمان به دست آورده است. ۳. توجه به کاربری های هماهنگ با کالبد تاریخی. ۴. توجه به اصل تغییر در نوع معیشت ساکنین بافت. ۵. اجرای فعالیت های گردشگری و حفاظتی در بافت ها و مجموعه های تاریخی با احترام بر علایق، سنن و خواست مردم محلی در جهت ارتقای سطح زندگی آنان. ۶. کاربری که بتواند بخشی از نیازهای خدماتی مورد نظر را تأمین کند. ۷. هماهنگی با محیط و اقلیم. ۸. حفظ مناسبات زیستی اصیل و پرهیز از تغییرات دستوری.	۳- کاربری الف) معیشت ب) تطابق با محیط اطراف
۱. حفظ الگوهای شهر تاریخی شامل شبکه معابر و خیابان ها. ۲. حفظ نظام ارتباطی بین محلات و محورهای حرکتی شهر تاریخی (همچون بازار و ابنیه عمومی). ۳. تقویت مبدل ها و کاتالیزورها. ۴. مدیریت ترافیک به جای مهندسی ترافیک صرف. ۵. تأمین پارکینگ ها و توقف گاه های موقتی و دائمی.	۴- شبکه دسترسی
۱. لزوم حفظ پیوستگی در خط آسمان نهایی. ۲. لزوم حس پیوستگی از پرسپکتیوهای مختلف. ۳. ایجاد ارتباط بین ساختمان ها با فضاهای سبز و باز. ۴. توجه به سنت ها به عنوان نیروی محرکه شهر ها.	۵- منظر بافت تاریخی الف) تراکم ب) پراکندگی ج) خط آسمان
۱. تدوین و تنظیم قوانین متناسب در راستای اهداف حفاظت و احیای بافت. ۲. تشویق و ایجاد انگیزه در ساکنین بومی بافت های تاریخی جهت حفظ ارزش های بومی بافت و جلوگیری از خروج آنان از بافت تاریخی.	۶- مالکیت

جمع بندی و نتیجه گیری

رشد و توسعه در بافت تاریخی لزوم حساسیت طراحان و معماران را می طلبد و در این میان دیدگاه شهروندان نسبت به چگونگی ایجاد ساختارهای میان افزا در بافت تاریخی باید مورد توجه ویژه طراحان قرار گیرد. توسعه میان افزا یا توسعه از درون به جای گسترش افقی شهرها، هسته های تاریخی و قطعاتی که در طی دوران توسعه شهر، از فرآیند توسعه به دور مانده اند را مورد احیا و بازسازی قرار می دهد. امروزه فرایند مداخله در بافت های تاریخی که دچار فرسودگی کالبدی یا عملکردی شده اند با هدف توسعه مجدد آنها، دارای ابعاد گسترده ای است که با توجه به ویژگی های منحصر به فرد، زمینه و محدودیت های موجود آن متغیرند. وجه مترکی که پژوهش های پیشین برآن تأکید دارند این است که توسعه میان افزا در این بافت ها باید ضامن حفظ

ارزش های اصیل آنها باشد. بدین ترتیب اغلب یافته های موجود بر این اصل تأکید دارند که ساختار جدید میان افزا می بایست با زمینه تاریخی و بناهای مجاور سازگار باشد، البته این به معنای تقلید صرف از معماری گذشته نیست و بنای جدید باید انعکاس دهنده معماری معاصر خود نیز باشد. هنگامی که بنا به دلایل مختلف، حضور ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی ضرورت می یابد، طراحی بناهای جدید می بایست سازگار با زمینه ی تاریخی موجود در نظر گرفته شود. باید توجه داشت درک زمینه و سازگاری با بناهای مجاور، هرگز بر تقلید صرف متکی نبوده و از یک معماری معاصر جلوگیری نمی کند و در حقیقت معماری معاصر موفق به آن نیاز دارد. از آنجا که سازگاری ساختار جدید به طرح زمینه ی تاریخی آن وابسته است، تعریف مشخصی برای آنچه که سازگار خواهد بود و یا ناسازگار، به طور مطلق، وجود ندارد. آنچه که در این بین مهم است، این است که با استفاده از رهنمودهای طراحی، سازگاری چگونه می تواند حاصل شود. در این راستا حفظ ارزش ها اصالت و یکپارچگی مکان می بایست در الویت های هر مداخله ای معمارانه ی جدید قرار گیرد و هرگونه مداخله در بافت تاریخی می بایستی مبتنی بر اصول و مبانی ساختارهای جدید به ضرورت طرح یک راه حل مناسب، جهت مقابله با پدیده گسترش بی رویه شهرها از یک طرف، و تغییر نگرش نحوه مداخله در بافت های درونی قدیمی و ناکارآمد از طرف دیگر، سبب تکامل یافتن چارچوب های نظری این نحوه مداخله در بافت های شهری، با هدف استفاده هر چه بهتر از فضاهای خالی در محیط های تاریخی گردد. این استراتژی ها، اصول و رویکردها جنبه کلی داشته و باید نسبت به هر محیط تاریخی و بر اساس ویژگی های معماری در هر منطقه زیستی نوع ساختار بر اساس موارد یاد شده جنبه عملیاتی و اجرایی به خود گیرد. راهکارهای گفته شده جنبه های ملموسی را برای معماران روشن می کنند که در نظر گرفتن آنها برای دستیابی به طراحی سازگار بنای جدید به مثابه محرک توسعه، ضروری است.

منابع و مراجع

- [۱] قره بگلو، م، نژادابراهیمی، الف، اردبیلچی، الف، ۱۳۹۸، معماری میان افزار: رویکرد میان رشته ای برای طراحی در بافت تاریخی، نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز، باغ نظر، تهران.
- [۲] یزدی، م. س، ۱۳۸۸، مروری بر سیر تکاملی اندیشه ها، رویکردها و برنامه های نوین حفاظت و باززنده سازی اماکن تاریخی و فرهنگی در جهان؛ همایش شناخت و معرفی مزیت ها و ظرفیت های احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی؛ تهران: موزه ملی.
- [۳] ترک زبان، ش، مرادی، الف، ۱۳۹۰، ضوابط طراحی معماری در بافتهای تاریخی؛ نشریه شهر و معماری بومی؛ شماره ۸؛ زمستان ۱۳۹۰.
- [۴] قدیری، ب، ۱۳۸۵، ساختارهای جدید در محیط های تاریخی؛ تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- [5] Khademi, M., & Alipour, R. (2011). Infill Structures Influence on Stimulating of Development in Worn-out Urban Tissues. Journal of Landscape, 14, 80- 83.
- [6] Guzmán Torres, Zasha N; (2009) Historic Buildings and Contemporary Additions: the Elements of a Cohesive Design Relationship; Directed By: Dr - ,Donald W. Linebaugh; School of Architecture Planning and Preservation. University of Maryland, College Park.
- [۷] برولین ب، ۱۳۸۳، معماری زمینه گرا: سازگاری ساختمان های جدید با قدیم. ترجمه ی راضیه رضازاده. اصفهان: انتشارات خاک.
- [۸] حبیبی، م، مقصودی، م، ۱۳۹۳، مرمت شهری: تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطعه نامه های جهانی، روش ها و اقدامات شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۹] حناچی، پ، فدایی نژاد، س، ۱۳۹۰، تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی-تاریخی. هنرهای زیبا شماره ۳، صص ۱۵-۲۶.
- [۱۰] غفاری، ع، کتابی، م، ۱۳۸۴، معماری جدید در بافت سنتی طراحی دانشکده هنر و معماری در بافت قدیم بوشهر، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۴۹، صص ۸۱-۶۶.
- [۱۱] حناچی، پ، ۱۳۹۱، مرمت شهری در بافت های تاریخی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۲] شاه تیموری، ی، مظاهریان، ح، ۱۳۹۱، رهنمود های طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. هنرهای زیبا، شماره ۳، صص ۲۹-۴۰.
- [13] Parizadi.Taher. Varesi. Hamid Reza. ZarabiAsghar (2012), Urban Infill Development by Emphasizing Housing(Case Study: Sanandaj City) Journal of Sustainable Development .Vol. 5, No. 3;pp112-121.
- [۱۴] مسعود، م، بیگزاده شهرکی، ح. ر، ۱۳۹۱، بناهای میان افزا در بافت های تاریخی. تهران: آذرخش.
- [۱۵] مسعود، م، بیگزاده شهرکی، ح. ر، ۱۳۹۳، مبانی شکل گیری بناهای میان افزا در بافت های تاریخی بر اساس بیانیه ها و منشورهای بین المللی، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، شماره ۶، صص ۸۵-۱۰۵.
- [۱۶] رضویان، م. ت، قادرمیزی، ح، علیان، م، چراغی، ر، ۱۳۹۴، راهبرد پژوهی مدیریت شهری در راستای توسعه پایدار در بافت های تاریخی (مطالعه موردی بافت تاریخی شهر یزد)، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۴، صص ۵۰۷-۴۸۷.
- [17] Rosa , Daniele La , Privitera , Riccardo , Barbarossa, Luca , La Greca , Paolo (2017)Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy.Landscape and Urban Planning 157,pp180–192.
- [۱۸] فلامکی، م. م، ۱۳۸۶، باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.
- [۱۹] قدیری، ب، ۱۳۸۵، ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران

[۲۰] ایوبی، ر، جعفری قوام آبادی، ن، ۱۳۹۳، نما، سیمای بافت تاریخی و منظر فضیای عمومی در قوانین ملی، ضوابط و مقررات محلی و وظایف مدیریت شهری. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۸، صص ۱-۱۶.

[۲۱] زنگی آبادی، ع، مویده فر، س، غفورزاده، م، ۱۳۹۴، ارزیابی باززنده سازی بافت های قدیم شهری در راستای توسعه پایدار (شهر یزد)، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۳۱-۱۵۹.

[۲۲] قاسمی، م، ۱۳۸۹، بازآفرینی و تجدید حیات شهری با رویکرد توسعه درونزا در بافت های تاریخی (نمونه موردی بافت تاریخی شهر اراک)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، استاد راهنما دکتر محمد سعید ایزدی، ص ۱۷۱.

[۲۳] مظاهریان، ح، شاه تیموری، ی، ۱۳۹۱، رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی (بررسی نظریه ها و توافقنامه های بین المللی)، نقش جهان-مطالعات نظری و فناوریهای نوین معماری و شهرسازی، شماره ۲، صص ۷-۱۸.

[24] Mansell, J. (1998). New Buildings in Historic Setting. Warren, J.; Worthington, J. & Taylor S. (Eds). York: Architectural press.